

اشاره‌ای به نقش فرهنگهای زبان در ترجمه و برابره‌های آن در فارسی

مهشید مشیری

عضو هیئت علمی گروه زبان

چکیده . هدف مقاله نشان دادن نقش فرهنگهای زبان در نشر دانش ، فن و ادب ، و تسهیل ترجمه در جامعه است ، برای این کار ضمن اشاره به نارسایی محتوایی از فرهنگهای فرانسه - فارسی موجود ، طرف اضافه در زبان فرانسه " مورد بررسی قرار می‌گیرد ، و ده [۱۵] مورد از حـالـات گوناگون آن ارائه می‌گردد و برابره‌های طبیعی آنها در زبان فارسی به دست داده می‌شود .

متوسل می‌شوند و شاید ناخواسته ، به تشبیهت نابسامانی فرهنگ نویسی در ایران کمک می‌کنند . از این رهگذر آنها که به جستجوی نام به فرهنگ نویسی رو کرده‌اند ، نامشان در زمره فرهنگ نویسان ایرانی رقم زده می‌شود و کتابشان بارها چاپ می‌شود ، در بازار سیاه به فروش می‌رسد و خود به مراد دل می‌رسند و اما هدف از این مقاله آن است که اولاً وظیفه مهم فرهنگ نویسان محترم را به ایشان یادآوری کنیم ، ثانیاً میزان توقع مراجعه‌کنندگان فرهنگها را نسبت به کیفیت فرهنگهای زبان بالا ببریم . برای این کار ، به "نارسایی محتوایی" که خاص اکثر فرهنگهای تدوین شده در ایران - اگر نگوییم تمام آنها - است ، اشاره‌ای می‌کنیم و برای نمونه ، نکته‌های را از

متاسفانه فرهنگ نویسی در کشور ما کاری ساده و پیش پا افتاده تلقی می‌شود و نقشی که فرهنگهای زبان در نشر دانش ، فن و ادب و تسهیل ترجمه در جامعه دارند ، نادیده انگاشته می‌شود . فرهنگ به تصور بسیاری از ما فهرست الفبایی بی سروتھی است از یک مشت لغت . و همین تصور ، فرصت را به دست کسانی می‌اندازد که فرهنگ نویسی در نظرشان دست بنقدترین وسیله است برای رسیدن به دنیای نشر و کتاب . دلیل این گفته ما وجود بسیاری از فرهنگهای گوناگون است که به چاپ می‌رسد ، به بازار می‌آید و مردم به خاطر نیاز ، یا به خاطر نداشتن امکان انتخاب در تهیه فرهنگ خوب ، یا بی اطلاعی از خصوصیات لازمه فرهنگ زبان ، اجباراً آنها را می‌پذیرند و به آنها

- (il est allé à Londres) به لندن رفته است
- (être à la maison) در خانه بودن
- (boire à la source) از چشمه آشامیدن
- (à la main) (سر میز)
- (à la leçon) در سر درس
- (travailler à l'aiguille) با سوزن کار کردن
- (il est à moi) (مال من است)
- (c'est à vous) (از آن شماست، آن شماست، آن شماست)
- (de Téhéran à Reicht) (از طهران الی رشت)
- (gâteau à l'amande) (نان بادامی)
- (à un mois de là) (پس از یک ماه، بعد از یک ماه)
- (monter à cheval) (بر اسب نشستن)
- (d'ici à Paris) (از اینجا تا پاریس)
- (il était à la porte) (قدم در بود)
- (il est au jardin) (توی باغ است)
- (à l'anglaise) (دوستانه)
- (à l'anglaise) (به ماب)

فرهنگهای فرانسه - فارسی موجود است میان می کشیم ، امید است ما ادامه این دست مقالات ، بتوانیم نکات باریک فرهنگ نویسی را نشان بدهیم و نسبت به فرهنگها آن گونه که هستند و آنگاه ... باشد - هتیار شویم و بتوانیم راه را به روی انتشار فرهنگهای بیطرفانه و تکرار مکرر فرهنگهای پیشین است ... و این ... فرهنگ جدید زبان ، تنها در صورتی موجه است که این فرهنگ باید حتی باشد ، پس تحولی مفید در فرهنگها ... کند ، در غیر این صورت ، نیازی به تهیه فرهنگ جدید نداریم .

در آن ... از حالات گوناگون حرف اضافه à در زبان فرانسه است و می کشیم تا برابریهای طبیعی این حالات را در فارسی ... دهیم .

à یکی از ... در زبان فرانسه است . با ia و ies ترکیب می شود و بترتیب ، au ، à la و aux را به وجود می آورد ، در حالتی مختلف دستور ... و پیدا کردن برابریهای صحیح آن ، ممکن است ما را در ترجمه جملات فرانسه به فارسی ، با مشکل روبرو کند ، پس فرهنگهای ... متوسل می شویم ، شاید راه حلی باشد .

(نظیر ... کتابخانه مطبوعه بروخسم ، تهران ، ۱۳۲۹ (چاپ اول آن در ۱۳۰۹ بوده است).

à(a) Frépr

à l'arrivée à la ville

(به شهر)

فرهنگها ، قدیمی ترها نسبت به جدیدترها معتبرترند ، در حالی که در میان آثار علمی و فنی - که فرهنگ زبان نیر از آنها جدا نیست - معمولا آنها که جدیدترند باید نسبت به قبلیها مزایایی داشته باشند و کاملتر و جامعتر باشند ، و از بعضی جهات ، نیاز مراجعه به قبلیها را از بین ببرند - چیزی که در مورد بسیاری از فرهنگهای زبان تدوین شده در ایران صدق نمی کند .

۲- بروخیم ، ی ، فرهنگ فرانسه - فارسی ، کتابفروشی بهودا بروخیم و پسران ، تهران ، ۱۳۵۳

به - در - از - هنگام - مال - پس از - تا - با -
A. Prép.

۳- گلستانی ، فرهنگ فرانسه به فارسی ، چاپ هفتم ، شرکت سهامی طبع کتاب ، تهران ، ۱۳۴۰ (چاپ اول آن در ۱۳۲۲ بوده است) .

رجوع به موارد ذیل

Λ(à) Prép.

-aller à رفتن به ...

-être à بودن در

-à table سر میز

- travailler à کارکردن با

- à moi مال من ، از آن من

- de ... a از ... به ...

-monter à بر ... سوارشدن

۴- اعتمادیان ، دکتر فرهنگ ، جامع فرانسه - فارسی ، چاپ اول ، گمانگیر ، تهران ، ۱۳۶۴

به - تا - در - با
A. Prép.

دود از گنده برمی خیزد ، و از میان

۱. اگر چه ممکن است نکات ذکر شده برای بعضی از ما به منزله توضیح واضحات باشد ، ولی باید توجه داشته باشیم که مراجعه کننده فرهنگ ، در جستجوی همین توضیحات به فرهنگ زبان متوسل میشود . بنابراین ، به نظر نگارنده این مقاله نکاتی از این دست (حتی کاملتر) باید در مورد بسیاری از مدلهای فرهنگ ذکر شود . ارائه این توضیحات ، هر چند که مستلزم زحمت بیشتری است ، ولی مزایایی دارد که به این زحمت می‌آورد .

۲. علامت [] در این مقاله اختیاری بودن برابر را می‌رساند ، به این معنی که برابر با هر کلمه‌ای که در [] ذکر شده است ، میتواند آورده نشود ، در واقع با توجه به "گونه کاربردی" متن اصلی ، می‌توانم نظیر فارسی à با هر کلمه دیگر را از میان برابرهایی داده شده اختیار کنیم .

و اما ، نکاتی که در مورد à به نظر ما می‌رسد!

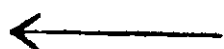
۱) با اسم همراه می‌شود و وابسته فعل (متمم مکانی فعل) به وجود می‌آورد .

1) Nous allons à Paris pour le week-end .

" [ما] [در] آخر این هفته [به] پاریس می‌رویم "

2) Vous viendrez avec nous à la campagne ?

" [آیا] [شما] با [ما] به بیلاق می‌آیید؟ " در مثالهای فوق ، مکانی مورد نظر است که می‌خواهیم به آنجا برویم . و در این



حالت ، برابر فارسی \hat{a} "به" است ، همان طور که ملاحظه می شود ، این برابر می تواند خصوصاً در هنگام معاوره ، مفر شود ، آرایش عناصر جمله نیز ممکن است تغییر کند و متمم فعل ، قبل از فعل قرار گیرد :

" [ما] آخر هفته میرویم [به] پاریس"
 " [آیا] [شما] با ما میآید [به] بیلاق؟"

در مثال زیر، برابر فارسی \hat{a} "تا" است :

3) De Téhéran à Paris

"از تهران تا پاریس" یا مورت خلاصه شده آن ، که "تهران - پاریس" است ، گاهی مکان مورد نظر ، جایی است که در آن جا قرار داریم :

1) Tu vis à Paris ?

" [تو] [در] پاریس زندگی می کنی؟"

گاهی ، خصوصاً در گفتار این برابر \hat{a} مورت "تو" (tu) یا "توی" (tu - ye) درمی آید :

" [تو] [تو] پاریس زندگی می کنی؟"

یا :

" [تو] [توی] پاریس زندگی می کنی؟"

بنابر این در مثال فوق ، همچنین در مثال ذیل ، برابر فارسی \hat{a} می تواند از میان "تو" (tu =) ، "توی"

۳. اگر بخواهیم جمله J'ai mal à la tête را به مورت تحت اللفظی ، \hat{a} فارسی ترجمه کنیم ، یعنی برابر "در" یا "بر" یا "به" را برای \hat{a} در نظر بگیریم جملاتی گمابیش چنین خواهیم داشت :

(= ye - tu) ، مفر یا "در" - بسته به نوع متن - انتخاب شود :

Je suis à la maison

" [من] [در] خانه هستم"

" [من] [تو] خانه هستم"

" [من] [توی] خانه هستم"

در مثالهای زیر که بازهم در مقوله متمم مکانی فعل است ، برابر فارسی \hat{a} به صورتهای دیگری خواهد بود :

1) Qu'est-ce qu'on joue au théâtre ?

"در تئاتر چه نمایشی می دهند؟"

یا :

" [بر] روی صحنه تئاتر چه نمایشی را بازی می کنند؟"

2) Il boit à la source

" [او] از چشمه [آب] می نوشد :

1) Avoir mal à la tête

2) Avoir mal au pied

برابر آنها را می توان با یکی از این دو فرمول به دست آورد :

الف) نام موضع + درد + داشتن

ب) نام موضع + ضمیر (متصل یا منفصل) + درد کردن

با توجه به دو فرمول بالا ، جمله های زیر را ترجمه می کنیم :

1) J'ai mal à la tête

و گاهی ممکن است برابر آن "را" باشد که بعد از قید زمان قرار می‌گیرد: [ما] بهار [را] به ایتالیا می‌رویم

3) À bientôt ; À demain

این دو عبارت، به ترتیب، یعنی "بزودی" همدیگر را می‌بینیم"، و "فردا همدیگر را می‌بینیم"، و منظور از آن، آرزوی دیدار مجدد است. بعضی از مترجمین برای یافتن برابر à در عبارات فوق، به ترجمه تحت‌اللفظی متوسل شده‌اند. و نتیجه همین توسل ایشان، ایجاد و رواج، بعضی ساختارهای جدید در زبان فارسی بوده‌است، مانند "تا بعد"، "بعداً" می‌بینمت"، "تا فردا"، "فعلاً خدا حافظ"، "بزودی می‌بینمت" و . . .

۲) à با اسم همراه می‌شود و وابسته فعل (متمم وسیله فعل) به وجود می‌آورد.

1) Réza est parti tout seul à bicyclette dans le forêt .

برابر فارسی à در این حالت، "با" است:

"رضا [به] تنهایی با دوچرخه به جنگل رفته است"

"[من] سردرد دارم (سرم درد می‌کند)"

2) Il à mal au pied

"[او] پا درد دارد (پایش درد می‌کند)"

۲) à با اسم همراه می‌شود و وابسته فعل (متمم زمانی فعل) به وجود می‌آورد.

1) On se voit à cinq heures ce soir ?

برابر فارسی à در جمله فوق با "در" است، یا صفر.

"امروز عصر (یا عصری)، [در] ساعت ۵، همدیگر را می‌بینیم؟"

برابر آن در فارسی رسمی به صورت "راس e + یا" سر e + است:

"عصر امروز رأس ساعت پنج . . . "یا" سر ساعت پنج بعد از ظهر . . ."

2) Nous irons en Italie au printemps

برابر فارسی à در این مثالها نیز می‌تواند یا "در" باشد یا صفر:

"[ما] [در] بهار به ایتالیا می‌رویم"

الف) "من در سردرد دارم" که غلط است، زیرا در زبان فارسی "در سردرد داشتن" نوعی "سودایی کردن" را می‌رساند. مانند وقتی که می‌گوییم "شوری در سردرد دارم" یا "اندیشه‌ای در سردرد دارم".

ب) "من به سردرد دارم" یا "من بر سردرد دارم"، که این نیز غلط است، زیرا معمولاً ما در زبان فارسی می‌گوییم: "چیزی بر سردرد داشتن" یا "چیزی به سردرد داشتن"، مثل "کاکل به سردرد داشتن"، "گل به سردرد داشتن"، "کلاه، چادر، روسری بر (به) سردرد داشتن".

بنابر این، در چنین مواردی باید این عبارات را بر مبنای مفهوم جمله خارجی ترجمه کرد و نظیر آن را در واژگان و عبارات طبیعی و معمولی زبان یافت و نه بر مبنای یک‌یک اجزای سازنده جمله خارجی.

برابر فارسی à ، در این حالت ، " در " است :

"برای چنین جاده‌ای ، [سرعت] صد کیلومتر در ساعت خیلی زیاد است"

می‌دانیم که گاه در زبان فارسی "صد کیلومتر" و حتی فقط "صد" به معنی "صد کیلومتر در ساعت" (و البته با حرف نه "با") نیز به کار می‌رود: "با صد می‌رفتم"، "با صد کیلومتر می‌رفتم". برابر آن در جمله بالا می‌تواند به صورت زیر نیز باشد:

3) A cinq franc le kilo ...

"ساعتی صد کیلومتر ، برای چنین جاده‌ای خیلی زیاد است"

بنابر این معادل فارسی à در این حالت ، بای وحدت است ، و معنی آن " در هر یک ساعت " است .

برابر فارسی à در این حالت نیز یکا "بای وحدت" است : "کیلویی ۵ فرانک ، . . ."

یا "هر":

"هر کیلو ۵ فرانک ، . . ." ، و گاهی می‌گوییم :

"از قرار کیلویی ۵ فرانک . . ."

در مثالهای بند ۲ و ۴ متمم وسیله ، چگونگی ، مقدار و غیره را به دست می‌دهد ، خواه همراه یک حرف تعریف (article) بیاید ، خواه نیاید .

در فرانسه حرف اضافه ممکن است ، بسته به نوع وسیله ، تغییر کند :

" en Voiture " " en avion " " à bicyclette " " à Pied "

برابر فارسی à در این بافتای زبانی ، "با" است : "با اتومبیل" ، "با هواپیما" ، "با دوچرخه" ولی "à pied" را نمی‌توان به صورت "با پارتن" ترجمه کرد ، بلکه باید از کلمه "پیاده" استفاده کرد .

۴) à با اسم همراه می‌شود و وابسته فعل (متمم چگونگی و متمم مقدار فعل) به وجود می‌آورد .

1) Ce pull est fait à la main

برابر فارسی à نیز در این ————— می‌تواند "با" باشد :

"این بلوز با دست درست (بافت) شده است"

یا :

"این بلوز کار دست (دست باف) شده است"

یا :

"این بلوز دستی است" ، "دستی"

در مقابل "ماشینی" است :

2) Cent kilomètres à l'heure c'est trop pour une route comme celle - ci

"این کتاب + e رامین است"

ب) à بعد از فعل appartenir "متعلق بودن ، تعلق داشتن " می آید :

2) Ce livre appartient à Ramin

و صورت دیگر آن :

3) C'est le livre de Ramin

برابر جمله فوق ، در فارسی به صورتهای زیر است :

"این کتاب متعلق به رامین است" ، "این کتاب به رامین تعلق دارد" ، "این کتاب + e رامین است" ، "این کتاب مال + e رامین است"

"این کتاب از آن + e رامین است"

4) C'est une idée à moi

"این فکر + e من است" ، یا "این فکر مال + e من است"

۸) à به دنبال یک اسم بدون حرف تعریف (آرتیکل) یا یک مصدر می آید ، متمم اسمی را به دست می دهد که مورد استفاده شیء را می نمایاند.

1) Vos tasses à thé sont très Jolies

در این حالت ، برابر à در فارسی واژه e است :

"فنجانها + y + e چای شما خیلی قشنگ هستند"

توضیح: ممکن است "Vos tasses à thé" به صورت "فنجانهای چای خوری" ترجمه شود . که این صورت بهتر است ، زیرا

۵) à قبل از مصدر می آید و متمم را به وجود می آورد که مورد استفاده شیء را نشان می دهد .

1) Je ne sais malheureusement pas me servir d'une machine à écrire.

"من متأسفانه بلد نیستم ماشین تحریر را به کار بگیرم (از ماشین تحریر استفاده کنم) ، که در این حالت ، برابر فارسی à ، واژه e (ب) است .

۶) à به دنبال یک اسم بدون آرتیکل می آید و متمم اسمی را به دست می دهد که نمایانگر خصوصیتی است .

1) Pour mon anniversaire, Réza m'a offert un sac à main .

"برای تولدم ، رضا به من یک کیف + e دستی داد .

2) J'aime le gâteau à l'amande

"من نان + e بادامی دوست دارم"

همان طور که ملاحظه می شود ، برابر فارسی à در این مثالها نیز می تواند واژه e یا صفر باشد .

۷) à نشان دهنده تملک است .

در این حالت ، معمولاً :

الف) à بعد از فعل être (بودن) ، قرار می گیرد :

1) Ce livre est à Ramin

برابر فارسی à در این مورد واژه e است که بعد از اسم قرار می گیرد :

۱۰) . à qqn یا . à qqch بعد از صفت قرار می‌گیرد .

"Il a toujours été fidèle á sa parole"

برابر فارسی à در این حالت نیز "به" است :

"او همیشه به قولش وفادار بوده‌است"

آنچه که گذشت - بی آنکه ادعا کنیم که خوب یا کامل بود - صرفاً یک نمونه بود و محملی از مفضل نکته . با این امید که خوانندگان محترم ، خود حدیث مفضل را از این محمل بخوانند ، و ذهن پویایشان قادر باشد که این تحلیل را در برابر گذاری تمام مقوله‌ها ، در محتوای فرهنگ تعمیم دهند .

معمولاً وقتی می‌گوییم "فنجان + e جای" که جای در فنجان باشد . ولی فنجان خالی بدون جای را در فارسی "فنجان جایخوری" می‌گوییم . مانند "گیلاس آبخوری" ، "قاشق غذاخوری" ، "ظرف میوه‌خوری" و . . .

۹) à به اضافه مصدر فعل بعد از صفت‌های خاصی چون " agréable " (دلچسب ، دل‌پسند ، جالب) ، " difficile " (سخت ، مشکل) ، متمم به وجود می‌آورد .

1) Ce livre était très agréable à lire.

"خواندن + e این کتاب خیلی جالب بود"

2) Ce film était très difficile à comprendre .

"فهمیدن + e این فیلم خیلی مشکل بود (فیلم سنگینی بود)"

* * * * *

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی